



روایتی از زندگی «مهرداد بهار»
فرزند ملک‌الشعرا

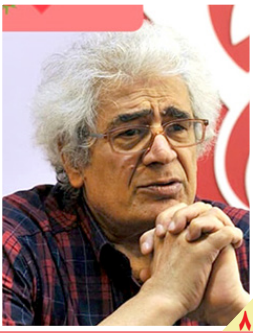
استورده‌شناسی که نمی‌خواست
زیر سایه پدر باشد

دوشنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۱ ۶ ربیع الاول ۱۴۴۴ ۳ اکتبر ۲۰۲۲

شهر

روزنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی صبح ایران



نگاهی به کتاب تازه
نوشته فیض شریفی

حرم موی سفیدت را که
پاس خواهد داشت؟

سال هفتم - شماره ۲۰۳۱ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

نهادهای امنیتی کشور مطرح کردند:

وعده انتقام جمعه سیاه زاهدان

همدلی | دیروز نهادهای امنیتی کشور در مواضع جداگانه و رسمی وعده دادند که انتقام جمعه سیاه در سیستان و بلوچستان را می‌گیرند. سازمان اطلاعات سپاه با صدور بیانیه‌ای نسبت به شهادت فرمانده اطلاعات سپاه زاهدان واکنش نشان داد...

فاجعه انسانی در فوتبال اندونزی

با وجود کاهش قدرت خرید روند قیمت‌ها در بازار مسکن صعودی است کاهش قیمت هم مسکن نیست

ترکیه از تلاش برای تاثیر گذاری بیشتر بر حوادث منطقه ای پرده برداشت عزم جزم اردوغان در کسب سروری منطقه

همدلی از یک معضل روانی در میان نوجوانان گزارش می‌دهد دانش آموزان در دسترس افسردگی

دلارهای بلو که شده در راه ایران

اولین توافق عملی دولت بایدن با دولت رئیسی شکل گرفت

شرح در صفحه ۶

قایلیاف: باید شیوه‌های اجرای گشت ارشاد را اصلاح کنیم

آیت‌الله فاضل لنگرانی: مسئولین اعتراضات را بشنوند

آیت‌الله مقتدایی: گشت ارشاد موفق نبود، باید تذکر داد



واکنش نمایندگان به حوادث اخیر کشور

شعارهای مجلسی

سرمقاله

حل و جمع چالش‌ها



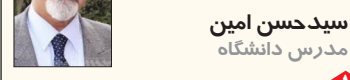
هر حکومتی در تاریخ حکمرانی‌اش با مسائل و چالش‌های بسیاری روبه‌رو می‌شود، اما مانایی هر قدرتی به حل موضوعات در حوزه‌های مختلف ارتباط پیدا می‌کند و انعطاف قدرت کلان، تصمیم‌سازی و اجرای برنامه‌های کاربردی برای حل چالش‌ها بر این اساس سنجیده خواهد شد.

یک: در دنیای امروز انعطاف‌پذیری ساختار قدرت در برابر مسائل جامعه، اقتصاد، هنر، فرهنگ رسمی و غیررسمی، بخش جدا نشدنی از نحوه تصمیم‌گیری حاکمان را به نمایش می‌گذارد. بنابراین هیچ قدرتی نمی‌تواند راه گذشته را پیمایش کند و نیم‌نگاهی به تغییرات بوجود آمده در جامعه نداشته باشد.

شرح در همین صفحه

یادداشت‌ها

گشت ارشاد به روایت شاعران پارسی‌گو



سخنی از سر درد با وزیر جهاد کشاورزی



یادداشت

سخنی از سر درد با وزیر جهاد کشاورزی

غلامحسین رنجبهر - در حالی که جناب آقای رئیسی در تبلیغات انتخاباتی ریاست جمهوری‌شان، وعده شرافتی دادند که اقتصاد ایران را از ساختار دستوری خارج خواهند کرد، لیکن شما در سپاسنامه حذف نهادهای پارانهای پرورش دام، نرخ اقلام شیر، لبنیات و سیوس گندم را کاملاً دستوری و به زبان تولیدکنندگان تعیین کردید، در حالی که نرخ اکثریت نهادهای مواد مصرفی در چرخه پرورش دام، تابع مکانیسم عرضه و تقاضای بازار و غیردستوری، هویت می‌یابند. شما نرخ ذرت نهادهای را سه برابر و نرخ سویا را چهار برابر افزایش دادید اما، نرخ شیر تولیدی دامدار را فقط دو برابر ارتقاء دادید با وصف اینکه سایر ملزومات هزینه‌های پرورش دام، شامل دارو، سه تا پنج برابر، واکسن‌ها، درمان و بهداشت و تجهیزات فیزیکی دامداری‌ها، بین سه تا شش برابر افزایش نرخ به هزینه دامداری‌ها تحمیل شده است. هزینه کارگری بالای ۵۷ درصد، برق و آب و غیره، سیر صعودی پیچیده گرفته اند؛ به نحوی که در نهایت توازن تولید و عرضه محصولات دامی فاقد تعادل و توازن با زیان شدید برای دامداران زحمتکش کشور رقم خورده است. اخیراً نرخ سیوس گندم را به یکبار از ۱۴۰۰ تومان به شش هزار تومان (۲/۴ برابر) افزایش داده اید در حالی که نرخ سیوس هم می‌بایست حداکثر دو برابر (۲۸۰۰ تومان) تعیین می‌شد

تحلیل راهبردی

علت العلل پیشرفت کشورهای پیشرفته، این است که تولیدکننده، همواره مورد حمایت همه‌جانبه دولت‌هاست، بدون حمایت از تولید و تولیدکننده، معیشت مصرف‌کننده هم، فاقد امنیت است!!! اقتصاد دستوری، یک خطای استراتژیک است که تا کنون بر فقر معیشتی آحاد جامعه افزوده است، با این نسیکل معیوب سیاست‌گذاری در اقتصاد دامداری‌ها و حتی مرغداری‌ها، با کدام منطق و آنالیز، توقع دارید، چرخه تولید دامداری‌ها، به‌درستی و بدون بحران‌های سخت بچرخد؟ چون پرورش دام با این معادلات دستوری، به‌شدت زیان‌آور و فراری دهنده اشتغال و سرمایه شده است. از سال گذشته تاکنون، هم تولیدکننده، داغون و مستاصل شده است و هم مصرف‌کننده، لذا دامداران پنهانکار، دام‌های مولد خود را روانه کشتارگاه می‌کنند، پیامد شرم‌آور پدیده دخل و خرج ناموزون، موجب هدایت اکثریت دامداران به خیل جامعه بیکاران دردمند خواهد شد و متعاقباً محصولات لبنی، نایاب خواهد گردید و بعد از گرانی‌ها موسم قحطی فرا می‌رسد! خاطر نشان می‌گردد که اگر قادر نیستید در حوزه کشاورزی، مشاغل جدید پایدار خلق کنید، حداقل با توسعه با اهرم‌های خدالت ناروا و تعیین دستوری نرخ پالئین ششیر و نرخ بالای فروش نهادهای دولتی، دامداران بی‌پناه را به سمت فروپاشی و بیکاری مزمن، تعداها ندهید. جناب وزیر! کارنامه مدیریت پرفراز و نشیب و غیرعلمی شما در این مدت، موجب رضایت تولیدکنندگان بخش کشاورزی و نیز، تضمین امنیت غذایی کشور نشده است و در تمام مدت تصدی کرسی وزارت، هر از گاهی در تولیدات بخش کشاورزی شاهد بحران و تنش بازاری شدید و مالا نارضایتی مصرف‌کنندگان بوده ایم. قضاوت نهایی محتوای عملکرد وزارت متبوع شما، پرداخت یارانه به مصرف‌کنندگان از جیب دامدار و مرغ‌دار بوده است. لطفاً دست‌تان را از جیب تولیدکنندگان آسیب‌دیده خارج سازید!

تجویز راهبردی

اگر آن وزارت محترم، مدغدغه امنیت غذایی کشور و ثبات شغلی بخش کشاورزی در راستای توسعه پایدار در تعهد قانونی و اخلاقی خود دارند.

- ۱- یا نهادهای پارانهای به نرخ‌های قبل را مجدداً احیاء نمایند.
- ۲- یا نرخ کف خرید تضمینی شیر خام از دامدار را افزایش دهید و هم‌زمان نرخ شیر خام بالاتر از نرخ پایه از تابع مکانیسم بازار و اقتصادات فصلی نماید.
- ۳- اگر این گزاره‌ها، در برنمی‌تابد، نرخ کلیه تجهیزات، داروها و هزینه کارگری و نهادهای مصرفی دامداری را (شبه نرخ، نه بونجه، ذرت علوفه‌ای، نقاله چغندر و مکمل‌ها) به سبک و سیاق نرخ‌گذاری شیر، به روش دستوری و متعادل تعیین نمایند.

تحمیل سیاست و رفتار دوگانه و متناقض در اقتصاد تولیدکننده، فروپاشی قطعی تولید را به ارمغان می‌آورد، این وارینه، اصل محتم و گریزناپذیر از اصول اقتصاد محسوب می‌گردد، شما و تیم همراه‌تان چرا بر خلاف اصول مسلم علم اقتصاد، (نادیده گرفتن اصل مکانیسم عرضه و تقاضا) سیاست‌گذاری می‌کنید؟

یادداشت

گشت ارشاد به روایت شاعران پارسی‌گو

شیرازی بزرگ هم از ریاکاری همه عوامل و اجزای نهاد مذهب در زمانه خود، پرده برداشته، گفته است: «سوی محتسب و کار به دستوری کرد». محتسبان، عموماً به شهروندان و خصوصاً به نوازندگان و رقصان که به آنان مطرب می‌گفتند، جفا می‌کردند و مانع تردد و آمد و شد ایشان می‌شدند. محتسبان به همین دلیل، در میان هنرمندان و شاعران و ادیبان محبوبیتی نداشتند و متون نظم و نثر پارسی، اغلب «محتسبان» را مورد تمسخر و طعن و استهزاء قرار داده است. ما در اینجا نمونه‌هایی از آنچه شاعران در گستره وسیع ایران فرهنگی در باره محتسبان سروده‌اند، به دست می‌دهیم.

حکیم ناصر خسرو قبادیانی - که من قبل از انقلاب راجع به زندگی و اندیشه او سلسله مقالاتی تحت عنوان «بینش سیاسی و اجتماعی ناصر خسرو» در مجله‌های نگیب به مدیریت دکتر محمود عنایت، هفت‌نامه ناهید به مدیریت سیدمحمد مقدس‌زاده و ماهنامه هلال پاکستان منتشر کردم- محتسبان را در کنار حکومت‌گران مستمکر عصر خود و محتسبان ریاکار روزگار خود را، نوشنده برون امام حسین و خورنده گوشت شستر صالح برشمرده و گفته است: «حاکم در خلوت خوبان به روز نیم‌شبان محتسب اندر شراب خون حسین آن پشجد در صبح وین بخورد ز اشتر صالح کباب». جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی، نیز محتسبان را عمده ظلم و جور، معرفی کرده است و در انتظار برآمدن امیر عدالت گسترستی است که به یاری مظلومان برخیزد و به اقامه عدل بپردازد: «عادلی کو که به حق یاری مظلوم دهد تا هم از محتسب شهر تعظم بینی». حکیم نزاری قهستانی با تعریف به محتسبان از ایشان می‌خواهد که به جای گیسر دادن به شراب‌خوران بی‌آزار، به تعقیب متجاوزان، خائنان و ریاخواران و بروند: «چه هراسد از می‌خواه محتسب گو از حرام و فسق و ربا و زنا هراس». نسیمی که از شاعران شورش و پیروان حرفیه و نقطویه است، در مقام انتقاد از احوال و اوضاع جامعه در باب شاهان ظالم، قاضیان رشوه‌خور، واعظان مستمری بگير و محتسبان مردم‌آزاری سخن می‌گوید که جلوی در خانه مردم در حال رفتن اند، در حالی که اکثریت افراد جامعه از پیر و جوان دیگر اساساً به اصل دین اعتقاد ندارند: «طفل، بی‌پروا ز دین و پیر، فارغ از نماز، محتسب همچون عسس پیوسته در پیش در است/ قاضیان رشوت‌ستان و واعظان مرسوم‌خور، شانه را از نو خیال عدل کامل در سر است». بدتر آن که محتسبان که باید امر به معروف و نهی از منکر و مبلغ و مروج احکام دین باشند، که تقابل بین محتسبان که قباله کهنه و نسخه قدیم گشت ارشاد امروز بوده‌اند، با مردم عادی همیشه مورد انتقاد و اعتراض نخبگان جامعه به‌ویژه شاعران پارسی‌گو و در رأس آنان حافظ بوده است که نماد حافظه تاریخی و وجدان ناخودآگاه جمعی ما است.

یادداشت

گشت ارشاد به روایت شاعران پارسی‌گو

سیدحسین امین - شرح وظایف گشت ارشاد امروز، در حقوق عمومی یا الاحکام السلطانیه، برابر نهاد «حتساب» در نظام حقوقی ایران بعد از اسلام است که مسئولان و مأموران موظف این نهاد با عنوان «محتسب» شناخته می‌شدند. محتسب در ادبیات فارسی، برای همه فارسی‌زبانان چهره‌ای آشناست. در ادبیات معاصر هم بیش و کم همگان این شعر پروین اعتصامی را در دیالوگ محتسب و مست خوانده یا شنیده‌اند که «محتسب، مستی به ره دید و گریبان گرفت/ مست گفت ای دوست! این بپرهان است، افسار نیست». که البته پروین در مضمون را از داستان مست و محتسب در مثنوی مولانا اقتباس کرده است. باری، گشت ارشاد امروز در طول تاریخ به قولی از عصر خلیفه دوم فاتح امپراطوری‌های ایران و روم، آغاز شد و بعد با نظم جدی‌تر به عنوان «حسبه و احتساب» زیر نظر مأمورانی با عنوان «محتسب» نهادینه شد که این مأموران محتسب‌نام برای حفظ قواعد شریعت و جلوگیری از تخلفات در کوچه و بازار هر شهر در قالب گشت ارشاد، حضوری چشمگیر داشتند و بر مسائل جمعی از صحت اوزان و مقادیر، نرخ ارزاق و جلوگیری از گران‌فروشی و احتکار در بازار گرفته تا پوشش و آرایش مردم نظارت داشتند و آنها را زیر نظر می‌گرفتند و در مقام نقیض و تجسس به احتمال حمل یا صرف مشروبات الکلی یا پس از کشف جرم، متخلف را به دارالقضا می‌کشاندند. البته خود محتسب هم در صورت مشاهده جرم تا حدودی در مقام ضابط، حق اعمال قدرت داشت که من در کتاب تاریخ حقوق ایران به آن اشاره کرده‌ام. محتسبان یعنی مأموران گشت ارشاد قدیم، گاهی هم از حدود وظایف خود تخطی می‌کردند و با زدن شلاق، گرداندن متهمان در شهر، تشهیر و بدنام یا بی‌آبرو کردن آنان، منع اشتغال به کار یا حرفه و یا کسب‌شان و حتی نفی بلد و تبعید از اقامتگاه شان دست‌به‌کار می‌شدند. مهم‌ترین وظیفه محتسبان حفظ نظم عمومی و الزام شهروندان به رعایت احکام شرع و مقررات عرف در مرئی و منظر بود. برای مثال، نظارت بر کسب و کار، سازمان‌دهی اصناف و مشاغل، رعایت اخلاق حسنه در پوشش زنان، جلوگیری از تردد شراب‌خوران یا حمل مواد مخدر یا مشروبات الکلی از اهم وظایف محتسبان بود. محتسبان در معابر، شوارع و بناهای عمومی از مساجد گرفته تا زورخانه‌ها و مراسم و برنامه‌های همگانی هم نظارت داشتند. جالب آن که بر گزار می‌شدند و مجالس لهو و لعب و رقص و طرب و مخصوصاً فاحشه‌خانه‌ها که به آنها «بیت‌الطف» می‌گفتند و از آنها مالیات می‌گرفتند، هم زیر نظر محتسبان بود. حافظ به همین دلیل که فاحشه‌ها باید با اخذ مجوز به کسب‌وکازت فروشی می‌پرداختند، از این «پروانه کار» یا واژه «دستوری» یادکرده و گفته

یادداشت

حل و جمع چالش‌ها

رضا صادقیان - هر حکومتی در تاریخ حکمرانی‌اش با مسائل و چالش‌های بسیاری روبه‌رو می‌شود، اما مانایی هر قدرتی به حل موضوعات در حوزه‌های مختلف ارتباط پیدا می‌کند و انعطاف قدرت کلان، تصمیم‌سازی و اجرای برنامه‌های کاربردی برای حل چالش‌ها بر این اساس سنجیده خواهد شد.

یک: در دنیای امروز انعطاف‌پذیری ساختار قدرت در برابر مسائل جامعه، اقتصاد، هنر، فرهنگ رسمی و غیررسمی، بخش جدا نشدنی از نحوه تصمیم‌گیری حاکمان را به نمایش می‌گذارد. بنابراین هیچ قدرتی نمی‌تواند راه گذشته را پیمایش کند و نیم‌نگاهی به تغییرات بوجود آمده در جامعه نداشته باشد. ساختار هر قدرتی به صورت پیوسته و دائم با جامعه و تغییرات آن روبه‌رو است. چنانچه اصل حرکت در دنیا را در نظر داشته باشیم، آنگونه که سایر فیلسوفان همچون ملاصدرا به این اصل باور داشته‌اند، بنابراین با گذشت زمان و پذیرش اصل فلسفی حرکت امکان پوشاندن گذشته بر تن امروز و با وجود تغییرات گسترده‌ای که در جوامع رخ داده، وجود نخواهد داشت. پذیرش تغییرات جامعه و اصلاح فرایندهای حکمرانی که منجر به ستیز کمتر با جامعه شود نه تنها خللی در ساختار قدرت به وجود نمی‌آورد، بلکه باعث مانایی آن در بلند مدت می‌شود.

دو: چنانچه اهل سیاست و دلبستگی به ساختار قدرت قانونی میل به جمع کردن چالش‌ها به جای حل آن داشته باشند، لاجرم مسائل و چالش‌های امروز به وسیله قدرت به کنار گذاشته می‌شوند یا نادیده گرفته و حتی به گونه‌ای دیگر به نمایش گذاشته می‌شود، ولی پس از مدت زمانی کوتاه و با طولانی به شکل بزرگ‌تر، فراگیرتر، چالش‌زا و به اصطلاح ایر چالش‌ناظر می‌شوند. به عنوان مثال؛ چالش‌هایی مانند بیکاری، تورم، نقدینگی، ناامیدی از آینده، بحران آب، محیط زیست، کاهش تولید، تغییرات فرهنگی، اعتراض نسبت به سیاست‌های فرهنگی و انتظامی و سایر مطالبات شهروندان در گام نخست به شکل مسئله، مسائل و چالش‌ها در جامعه بروز پیدا می‌کند، اما چنانچه این همه از سوی حاکمان مورد دقت نگیرد، لاجرم به شکل بحرانی در آینده‌ای نه چندان دور نمایان می‌گردد. به نظر می‌رسد آنچه این روزها در حال رخ دادن است، نادیده گرفتن خواسته‌ها و تغییرات معمول در جامعه است که طی سالیان طولانی از سوی برخی متولیان و تصمیم‌سازان مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

سه: ساختار قدرت کلان و میانی در تمام دوره‌ها نیازمند اصلاح و بازنگری در سیاست‌ها، معیارهای اجرایی و سیاست‌گذاری جدید براساس تغییرات جامعه است؛ امکان پیاده کردن قوانین سابق در جامعه جدید وجود ندارد، نمونه بارز چنین مسئله‌ای ثبت قوانین و شیوه‌های پر‌خورد با ماهواره است، سیاستی محدود کننده که راه به جایی نبرد و در نهایت امر میزان استفاده از این وسیله جدید باعث شد مسئولان و اقلیت‌های جاری را به امر ذهنی خود ترجیح دهند.

چهار: چنانچه به هر دلیل مشخص و نامشخص قدرت به سوی ایستایی و عدم تغییر میل کند و سایر کارگزاران قدرت به این نتیجه برسند که آنچه تاکنون انجام داده‌اند بدون درزی ایراد و اشکال بوده و در ادامه حکمرانی نیز می‌توان همین مسیر را با تمام قوا دنبال نمود، حاکمان خود به سوی تبدیل مسائل جامعه به چالش‌های غیرقابل حل گام برداشته‌اند، به واقع نه تنها نیازهای امروز را بدون پاسخ رها کرده‌اند، بلکه با انتخاب اینگونه شیوه حکمرانی مسائل کوچک را به ابر چالش‌ها تبدیل کردند.

پنج: قدرت نیازمند اصلاح است و قدرت بدون اصلاح، ناآگاهانه برای ساختار کلان هزینه ایجاد می‌کند، چرا که تغییرات جامعه را نپذیرفته است. قدرتی که برای اصلاح خود قبل از آنکه فاصله واقعیت‌های جامعه با تصمیمات قدرت زیاد شود، تلاش می‌کند فاصله میان مطالبات شهروندان با ساختار قدرت را کم و به پیوستگی جامعه و قدرت کمک کند، ماتر و پویاتر است، در غیر این صورت قدرت نه تنها کمکی به حل مشکلات و مسائل دیروز و امروز نخواهد کرد، بلکه ساده‌ترین مسائل را به ابرچالش‌های هزینه‌ساز مبدل می‌کند، در چالش‌هایی که خود زمینه‌ساز بروز برخی مشکلات دیگر در آینده خواهند شد.